



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رسانه‌ها و تربیت از منظر امام خمینی (ره)

حفیظ الله فولادی

مقدمه

فرهنگ را در هر جامعه‌ای، می‌توان به شیوه زندگی اعضای آن جامعه اطلاق کرد. از این رو، جوامع انسانی بر حسب نگرش‌ها، ارزش‌ها و آداب و رسوم و نوع زندگی مادی، دارای فرهنگ‌های متنوعی هستند. گوناگونی فرهنگ انسانی هنجارهای اجتماعی خاصی را که بیانگر بایدها و نبایدهای زندگی در آن جامعه است، مطرح می‌سازد. تربیت انسان در جهت پذیرش آن هنجارها و الگوهای رفتاری را در اصطلاح علوم اجتماعی می‌توان به جامعه‌پذیری و یا اجتماعی شدن فرد تعبیر کرد؛ گو این که در تربیت، چیزی فراتر از رفتاری مطابق هنجارها و قواعد و اصول اجتماعی داشتن مورد نظر است؛ زیرا در تربیت، شکوفایی استعدادهای انسان در جهت رسیدن به کمالات انسانی و معنوی نیز مطرح شده است که مستلزم رفع موانعی است که زمینه‌های اتصاف انسان به کمالات اخلاقی و الهی را از بین می‌برد؛ حال آن که در اجتماعی شدن، رعایت قوانین اجتماعی و شهروندی خوب بودن کافی است.

به هر حال، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند. در همه فرهنگ‌ها، خانواده کانون اصلی تربیت و اجتماعی ساختن کودک در دوران طفولیت است که درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را در کنار وابستگی‌های عاطفی و آموختن زبان، به کودک می‌آموزد. علاوه بر آن، مدرسه و گروه همسالان و رسانه‌های گروهی و برخی عوامل دیگر مانند محیط کار نیز اهمیت فراوانی دارند. از آن‌جا که موضوع مقاله حاضر، بررسی نقش رسانه‌های گروهی در تربیت از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) است، به جهت انسجام بحث، از پرداختن به سایر عوامل خودداری می‌کنیم.

اهمیت رسانه‌های گروهی

رسانه‌های گروهی به جهت ویژگی‌های ممتازی که نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرآیند تربیت انسان دارند، دارای اهمیت به سزایی هستند. قدرت وسایل ارتباط جمعی آن قدر مهم است که برخی معتقدند رسانه‌ها قادرند نسلی جدید در تاریخ انسان پدید آورند؛ نسلی که از لحاظ رفتار و افکار و نحوه تعامل با هم‌نوعان خود، با نسل‌های پیشین تفاوت داشته باشد. مارشال مک لوهان مشهورترین جامعه‌شناس کسانادایی و از بزرگ‌ترین متخصصان مسئله ارتباطات جمعی، چنان اهمیتی برای وسایل ارتباط جمعی قایل است که آن راحتی مهم‌تر از اندیشه دینی یعنی محتوای این ارتباط می‌داند (قائم‌مقامی، ص ۲۸-۲۹).

بنابراین، تردیدی نیست که رسانه‌های جمعی می‌توانند نگرش‌ها و بینش‌های مردم را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهند و انواع گوناگون اطلاعات را که به‌گونه دیگری امکان‌آخ‌ذشان بوده، به مخاطبان خود انتقال دهند.

امام (علیه‌السلام) که در دهه‌های پایانی قرن بیستم، انقلابی عظیم را با محوریت ارزش‌های الهی و هدف احیای عمل به فرامین دینی رهبری کرد و آن را به پیروزی رساند، تحولی همه‌جانبه را در همه ساخت‌ها و نهادهای اجتماعی کشور به وجود آوردند. انقلابی که به فرموده ایشان تحفه الهی و هدیه غیبی از جانب خداوند به ملت مظلوم ایران بود: «امکان نداشت با وجود تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی و با تفرقه افکنی‌های بی‌حساب قلم‌داران و زبان‌مزدان در مطبوعات و سخنرانی‌ها و مجالس و محافل، و وجود آن همه مراکز عیاشی و فحشا و قمار مسکرات و نیز وضع مراکز آموزشی، و رسانه‌ای، انقلابی با این انگیزه و هدف به پیروزی رسد (وصیت‌نامه امام خمینی (علیه‌السلام)، بند ۱). یکی از مراکز که همراه با انقلاب متحول گردید، نهاد مربوط به وسایل ارتباط جمعی بود. حضرت امام (علیه‌السلام) در مناسبت‌های مختلف، چه در قالب سخنرانی و چه با ارسال پیام، اهمیت و حساسیت این رسانه‌ها و توجه دادن به اصلاح محتوا و کیفیت ارتباط با مخاطبین را مورد تأکید قرار داده‌اند و در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود نیز به این مهم پرداخته‌اند.

از آن‌جا که رسانه‌های گروهی شامل رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، مطبوعات و... است، در این مقاله، بیشترین تأکید بر تأثیرگذاری رادیو و تلویزیون در امر تربیت صحیح و اصلاح یا انحراف و فساد جامعه از منظر حضرت امام (علیه‌السلام) خواهد بود؛ البته بررسی دیدگاه حضرت امام (علیه‌السلام) در مورد سایر رسانه‌ها به خصوص مطبوعات نیز اولویت دیگری است که باید در جای خود به آن پرداخته شود.

اهمیت رادیو و تلویزیون در مقایسه با مراکز آموزشی

رادیو و تلویزیون همانند مدرسه‌ای بزرگ بر تمامی ابعاد زندگی انسانی حتی در اوقات فراغت و هنگامی که برای سرگرمی استفاده می‌شود، تأثیر می‌گذارد و از آن‌جا که نسبت به سایر

مراکز آموزشی از قبیل مدرسه و دانشگاه، از گستردگی زمانی و مکانی و همچنین قدرت تأثیر گذاری از طریق چشم و گوش برخوردار است، اهمیت بیشتری در ابعاد تربیتی کودکان و نوجوانان و جوانان و حتی بزرگسالان پیدا می‌کند. «ژان کازنو» جامعه شناس و صاحب نظر در علوم ارتباطی، در بیان تفاوت‌های میان مدرسه و رسانه‌های گروهی می‌گوید: «مدرسه فقط سال‌هایی اندک از حیات طفل یا جوان را به خود مشغول می‌دارد، ولی وسایل ارتباط جمعی بی‌هیچ محدودیتی در تمامی مراحل زندگی با انسان‌هایند و از آغاز تا پایان عمر آن‌ها را پوشش می‌دهند؛ مدرسه فقط ساعاتی چند از حیات طفل یا جوان را در اختیار دارد، حال آن‌که رسانه‌های گروهی در تمامی ساعات شب و روز به خانه می‌آیند و لذا هیچ محدودیت زمانی ندارند؛ مدرسه قشری خاص از انسان‌ها، آن هم به تعداد اندک را زیر پوشش می‌گیرد، ولی وسایل ارتباط جمعی همه را پوشش می‌دهد (ساروخانی، ص ۷۰-۷۱).

امام (علیه السلام) در مورد اهمیت این رسانه‌ها می‌فرماید: «رادیو و تلویزیون و این‌ها که در تمام سطح کشور انتشار پیدا می‌کنند و مردم با گوششان و چشمشان مسایل را ادراک می‌کنند و آن کسی که بی‌سواد است هم در این جا می‌تواند بفهمد و آن کسی هم که باسواد است؛ این بسیار اهمیت دارد» (صحیفه‌نور؛ ج ۵، ص ۲۰۲) و در جای دیگر: «دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های موضعی است، این [رادیو و تلویزیون] یک دانشگاه عمومی است؛ یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است» (همان، ص ۲۰۳).

رسالت تربیتی رسانه‌ها از دیدگاه امام (علیه السلام)

با توجه به مطالبی که در مورد رسانه‌های گروهی ذکر شد، امام (علیه السلام) نقشی بسیار حساس و حیاتی را برای این رسانه‌ها قایل است و همان‌طور که اگر تربیت به دست مری صالح یا فاسد باشد، متری نیز صالح یا فاسد خواهد شد، صلاح و فساد در این مجموعه‌ها را منجر به صالح یا فاسد شدن جامعه می‌داند. در ادامه بخشی از دیدگاه‌های حضرت امام (علیه السلام) را در این مورد می‌آوریم:

«تمام رسانه‌ها، مریبی یک کشور هستند، باید تربیت کنند... افراد یک کشور را و باید خدمت کنند به ملت» (صحیفه‌نور، ج ۶، ص ۱۹۳).

«... این دستگاه [رادیو و تلویزیون] اگر آموزنده باشد، اگر فیلم‌ها یا خطابه‌ها یا اخبار جوری باشد که آموزنده باشد، این بچه کوچولو هم از حالا تربیت می‌شود، یک تربیت صحیح و اگر چنانچه خدای نخواستہ یک خلافی در او باشد، آن بچه‌ها که کوچک‌اند از اول تربیت فاسد می‌شوند... آن‌ها نگاه می‌کنند اگر فیلم یک فیلم آموزنده باشد، این بچه‌ها تربیت می‌شوند به تربیت صحیح؛ و اگر یک فیلمی باشد که برخلاف باشد، انحراف کننده باشد، بچه تربیت می‌شود به تربیت انحرافی؛ بزرگ‌ها هم همین‌طور. بنابراین مسئولیت است» (همان، ص ۲۳۶).

مطلبی که از این فرمایشات حضرت امام (علیه السلام) به ذهن می‌آید این است که دغدغه تربیت

صحیح داشتن و تلاش در جهت دوری از تربیت فاسد و انحرافی، در گرو احساس مسئولیت متولیان و دست اندرکاران امور است؛ زیرا با این احساس، انسان خود را به دلسوزی و تلاش مضاعف در قبال انسان‌های دیگر موظف می‌داند. از همین زاویه، کلام حضرت امام (علیه السلام) که می‌فرماید «معلمی شغل انبیاست» بهتر معنا می‌شود، زیرا انبیای الهی پس از نیل مرتبه و مسئولیت سنگین هدایت انسان‌ها، تلاشی بی‌وقفه را در کنار تحمل انواع گرفتاری‌ها انجام داده‌اند. در همین راستای، امام (علیه السلام) نقش معلم و شاگردی را برای رسانه‌ها قایل است و می‌فرماید: «رادیو و تلویزیون وظیفه دارد که با مردم حکم معلم و شاگرد داشته باشد... به جای آن چیزهایی که به درد ملت نمی‌خورد یا مضر به حال ملت است، یک چیزهایی مفید را به مردم بدهند... مردم را تغذیه کنند به غذاهای صحیح و سالم» (همان، ج ۵، ص ۲۰۳).

انحراف رسانه‌ها از اهداف اولیه

شاید بتوان ادعا کرد که هدف اولیه سازندگان رسانه‌های ارتباط جمعی، چیزی جز سهولت امر اطلاع رسانی و انتقال سریع اخبار نبوده است و بعید به نظر می‌رسد که به منظور سلطه فکری و فرهنگی بر دیگران و ایجاد و ترویج انواع انحرافات و بدآموزی‌ها در بین هموعان بوده باشد. امام خمینی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «این [کیفیت برنامه‌های رسانه‌های گروهی] با آن طوری که از اول شاید آن‌هایی که درست کردند این‌ها را، نظر آموزشی داشتند به این‌ها... این دستگاه‌ها دستگاه‌های تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند، یک دانشگاه عمومی است» (همان).

به نظر برخی از صاحب نظران علوم اجتماعی، رسانه‌های همگانی در دنیای امروز، از اهداف اولیه خود دور شده و برنامه‌هایشان هر روز پیش از پیش به زوال و انحطاط کشانیدن جوامع در ابعاد اخلاقی و فرهنگی و ترویج انواع نابکاری‌ها و فحشا و برهنگی‌ها و قتل و جنایت، منجر می‌شود (قائم مقامی، ص ۱۱). در این زمینه نکته‌ای را که حتی کسانی همانند کارل پوپر، فیلسوف لیبرال قرن بیستم، که برنامه‌های تلویزیون دنیای به ظاهر متمدن امروزی را در ترویج انحرافات اخلاقی بسیار مؤثر می‌دانست، قبول دارد، ذکر می‌کنیم.

پوپر می‌گوید: «ما با استفاده از تلویزیون و وسایلی مانند آن به آموزش خشونت به فرزندان خود پرداخته‌ایم و... با کمال تأسف، به اعمال سانسور در این زمینه نیاز داریم» (ص ۱۱).

پیش بینی پوپر از وضعیت حاکم بر رسانه‌ها این است که: «که قتل و جنایت سکه رایج آن خواهد بود» (همان، ص ۷۷).

از این رو، وی قایل است که اگر کودکان بهتر آموزش دیده و تربیت شوند، بهتر می‌توان در کنار همدیگر زندگی کرد. و اگر این نکته [آموزش و تربیت صحیح] فراموش شود، حکومت باید در اموری نظیر انتشارات و تلویزیون بیشتر مداخله کند (همان).

در رابطه با همین انحطاط رسانه‌ها و دور افتادن از اهداف آموزشی و تربیتی صحیح و انسانی است که امام (علیه السلام) در وصیت نامه سیاسی الهی خود، نمایی از برنامه‌ها و نقشه‌های انحرافی استعمارگران توسط رسانه‌های گروهی را مورد اشاره قرار می‌دهد:

«رادیو تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملت‌ها، خصوصاً نسل جوان بوده است. در این صدسال اخیر، به ویژه نیمه دوم آن، چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده شده و از آن‌ها برای درست کردن بازار کالاها، خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمان‌ها و تزئینات و تجملات آن‌ها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آن‌ها استفاده کردند، به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن، به ویژه در خانم‌های مرفه یا نیمه مرفه بود... فیلم‌های تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود، که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش، منحرف و به سوی بی‌خبری از خویش و شخصیت خود، و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پر ارزشی که بسیاری از آن با دست خیانت‌کار سودجویان به کتاب‌خانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردیده است. مجله‌ها یا مقاله‌ها و عکس‌های افتضاح بار و اسفانگیز، و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضد فرهنگی خویش و ضد اسلامی، با افتخار مردم، به ویژه طبقه جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند. اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده‌ها، و مراکز قمار و لاتار، و مغازه‌های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش، و بازی‌ها و مشروبات الکلی به ویژه آنچه از غرب وارد می‌شد» (وصیت‌نامه امام خمینی (علیه السلام)، بند م).

در واقع همین سیاست‌ها و برنامه‌های حساب شده، جهت انحراف فرهنگی و تهی کردن جوامع از هویت و استقلال خود، باعث بروز بسیاری از مسایل و ناهنجاری‌های اجتماعی، به خصوص در جوامع جهان سوم گردیده است و با قاطعیت می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از گرفتاری‌ها و مسایل این جوامع، منبعت از نتایج سلطه فرهنگی و ترویج بسیاری از انحرافات از طریق همین رسانه‌های عمومی است. حضرت امام (علیه السلام) در بدو ورودشان به کشور، در سخنرانی تاریخی خود بر سر مزار شهدای انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب، برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، ما با او مخالفیم» (صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۸۴).

چنان‌که اشاره شد، واقعیت این است که اربابان سیاست‌های استعماری، از طریق رسانه‌های گروهی، با ازابه فرهنگ غربی و به خدمت گرفتن ایادی خود باخته و فرومایه خود در کشورهای

دیگر، آنان را از ویژگی‌های اخلاقی و معنوی و فرهنگی خویش بیگانه ساختند و به تقلید از مظاهر پوشالی و جنبه‌های مبتذل فرهنگ خود تشویق کردند؛ کشورهایی که مردمان آن‌ها به تولید و خلاقیت و فعالیت‌های اجتماعی در جهت پیشرفت ممالک خود بیشتر از هرچیز نیازمند بودند، سعی می‌کردند با تشدید روحیه مصرف‌کالاهای غربی و سرگرم نمودن به شهوت‌رانی و صرف وقت در پای گیرنده‌هایی که به نمایش رقاصه‌ها، روسپی‌ها و کابوهای وحشی می‌پرداختند، آنان را از توجه به اولویت‌ها، مصالح و واقعیت‌های جامعه خویش دور سازند. برنامه ریزان کشورهای استعمارگر، در جهان سوم با ساختن فیلم‌های بی‌پروای جنسی در کشورهایی که فرهنگ مذهبی در آن‌ها حاکم است، نه تنها سبب پدیدار شدن تضادهای کشنده می‌شوند، بلکه مردم را دعوت می‌کنند که انواع تجربه‌های جنسی و ابداعات و انحرافات فحشانگاران دنیای غرب را تجربه کنند. آن‌ها سعی دارند که با ترویج انحرافات اخلاقی، ذهن جوانان را از توجه به فعالیت‌های تولیدی، مبارزه با ترفندهای استعمارگران، تلاش در جهت تحقق آرمان‌های مقدس و هرآنچه که به مصالح عمومی و اجتماعی آنان مربوط است، منحرف ساخته و متوجه مسایل حیوانی و ضد اخلاقی سازند؛ زیرا وقتی تمامی فکر انسان متوجه این مسایل باشد، نه کسی به فکر کرامات انسانی و الهی خواهد افتاد، نه کسی برای فداکاری در راه اهداف مقدس دینی و الهی و اساساً دین، ارزشی قایل خواهد بود و نه کسی متوجه نابودی ارزش‌های فرهنگی جامعه خویش خواهد شد.

انصاف این است که در سایه تبلیغات رسانه‌ای، معیارهایی که قرآن کریم برای جاهلیت برشمرده است، در دنیای به ظاهر متمدن امروزی، به شکل بی‌سابقه‌ای مایه تفاخر و مباهات شده و معیار ترقی و پیشرفت تلقی می‌شود و با تبلیغ انواع جلوه‌گری‌ها، زیورها، آرایش‌ها، برهنگی‌ها و شهوت‌رانی‌ها، جاهلیت مدرن مدوّن رخ نموده است. چنین وضعیتی دور بودن از ارزش‌های اخلاقی و معنوی و پرداختن به زندگی شهوانی و حیوانی را وجه همت خویش ساخته است. شکی نیست که تمامی این‌ها هدفی جز اشاعه بی‌مسئولیتی، نابودی ارزش‌ها و مفاهیم عالی انسانی و سرانجام استعمار فرهنگی از سوی صاحبان کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی، که مورد حمایت سیاست‌مداران کشورهای استعماری هستند، هدف دیگری ندارند؛ زیرا انسانی که به ارزش‌های الهی و دینی پشت پا زده باشد، نه تنها به پدیده تازه‌ای دست نمی‌یابد، بلکه با افتادن در سراسیمگی شهوت پرستی و حیوانیت، فریفته پدیده‌هایی می‌شود که قرن‌ها پیش، اسلام همه آن‌ها را به عنوان معیارهای عصر جاهلیت درهم کوبیده است (قائم‌مقامی، ص ۱۱-۱۹).

بنابراین در زندگی امروزه، وسایل ارتباط جمعی به ویژه در شکل دهی به افکار و شخصیت اجتماعی مردمان به خصوص جوانان، از اصلی‌ترین و عمیق‌ترین تأثیرگذاران به شمار می‌روند؛ زیرا امروزه دیگر زندگی به هیچ وجه منحصر به چهار دیواری خانواده و مدرسه و حتی اجتماع و کشور خاصی نیست. بنابراین، تا آن جا که در توان نخبگان و تصمیم‌گیران امور فرهنگی کشور

اینها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد، از غرب‌زدگی بیرون کند، استقلال به مردم بدهد...» (همان، ج ۵، ص ۲۰۳).

ایشان هم چنین می‌فرماید: «رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی، می‌توانند خدمت‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاه‌هایی که شب و روز ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم‌ها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و بیشتر کار کنند و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند» (همان، ج ۱۹، ص ۱۰۹).

امام (علیه السلام) بر این نکته تأکید دارد که تلاش شود با القای حس تفاهم و برادری در میان آحاد ملت و دوری گزیدن از دامن زدن به اختلافات، همه در مسیر اسلام و فداکاری برای آن بسیج شوند و همواره جهت مقابله با ترفندهای چپاولگران شرق و غرب آماده باشند: «همه باید سعی بکنید در سطح رادیو و تلویزیون تفاهم حاصل بشود و اختلافات که بر خلاف مسیر اسلام است، برطرف شود» (همان، ج ۹، ص ۲۶۳).

نتیجه‌گیری

با ملاحظه مجموع دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (علیه السلام) در خصوص رسانه‌های گروهی - به ویژه رادیو و تلویزیون، و نقش تربیتی آن، چنین به دست می‌آید که این مجموعه به عنوان سازمانی بسیار حساس و تأثیرگذار که هم از طریق چشم و هم از راه گوش با وسعت دامنه خود، در حکم دانشگاهی است عمومی که با همه اقشار جامعه سرو کار دارد، باید با در اختیار گرفتن نیروهای متعهد و متخصص و فهیم که با ظرائف هنری و یافته‌های علمی هم آشنا هستند، سلامت روحی و روانی ملت و مصالح امت اسلامی را وجهه همت قرار دهد. هم چنین آن‌ها باید برنامه‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کرده و به نمایش درآورند، که مردم را بیدار، حاضر در صحنه، آگاه به مسایل روز و آشنای به حیل‌های چپاولگران غرب و شرق بار بیاورند و از جمله اساسی‌ترین ابعاد برنامه‌های تربیتی خود را، القای روحیه امید و خودباوری به جامعه دانسته، و نیروی انسانی فعال جامعه را در جهت نیل به استقلال همه جانبه، تقویت و رشد دهند. آن‌ها باید به صورت جدی از برنامه‌های فاسد و انحرافی که باعث تباهی جوانان و از دست رفتن نیروی فعال جامعه می‌شود و یا آنان را مقلد و دنباله‌رو غرب و شرق بار می‌آورد، پرهیز نمایند و خلاصه این‌که برنامه‌های رسانه‌های گروهی بر این مدار استوار باشد که همواره آموزنده و در مسیر مصالح اسلام و ملت باشد و از چیزهایی که به حال کشور و ملت مضر است و در نهایت

موجب تباهی است، احتراز گردد.

امید است همه دست اندرکاران امور فرهنگی، با توجه عمیق به مسئولیت خطیر خود و با آویزه گوش ساختن رهنمودها و توصیه‌های صریح حضرت امام(علیه السلام) و مقام معظم رهبری، گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده و عمل کنند که حاصل کار، تربیت جوانانی برومند و هوشیار باشد که موجبات ناکامی دشمن را در همه عرصه‌ها فراهم می‌آورند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرو بشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی